

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا أبي القاسم المصطفى محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين و اللعن على اعدائهم أجمعين.

کلام در روایاتی بود که راجع به حجیت مکتوب در اثبات موضوعات به آن استدلال شده است، برخی از روایات مضمونا این طور بود که از مکتوب تعریف می کرد و دسته ای هم روایاتی بود که می فرمود: در مکتوبات احتمال جعل و تزویر هست، روی این مبنا قابل برای اتکا نیست کما این که در آن روایت نبوی شریف آمد که بر اساس تذکر خودتان از واقعه شهادت بدهید و الا چه بسا مکتوبی که نوشته شود و چه بسا خاتمی که نقش ببندد.

برخی از روایات هم داشتیم که می گفت اگر آورنده یک مکتوب، نزد شما ثقة است و با شما شاهد دیگری هم در بین هست که او هم ثقة است و شما هم خط و امضا و خاتم خود را می شناسی، بر مؤدای آن مکتوب شهادت بده و از این جهت اشکالی ندارد.

این روایات را که کنار هم بگذاریم ظاهرا متفاهم عرفی از فهم مجموعه این روایات این می شود که «مکتوب لو خلی و طبعه» حجت نیست الا این که اگر مأمون از تزویر دانسته نشود که قرینه بر خلاف حجت بودنش قائم شده اما اگر مأمون از تزویر دانسته شود، به جهت قرائنی که در بین هست آن وقت می توانیم ما آن را معتبر بشماریم. لذا به حیث مجموعی به نظر می رسد که از مجموع روایات به دست می آید که نه بتوانیم بگوییم که مکتوب هیچ اثری ندارد چرا اینکه «من شاء کتب کتابا و نقش خاتما» نه از آن طرف بگوییم هر نوشته ای حجت است ولو این که هیچ قرینه ای بر اعتبار آن نباشد بلکه یک حدوسطی است که اگر مکتوبی محفوف به قرائنی است که انسان به وسیله آنها اطمینان نفس پیدا می کند می تواند به آن مکتوب استناد کند.

البته این جهت روشن است که وقتی می گوییم به مکتوب استناد شود بعد از آن است که آن جهاتی که گفتیم برای احتجاج به مکتوب شرط است، وجود داشته باشد که یکی بحث وثوق صدور بود و یکی بحث اصالة الجد بود که اگر یک مکتوبی مشخص نیست که منتسب به چه کسی است نمی توان بر اساس آن

شهادت داد مثل این که یک مکتوبی اقرار به چیزی است ولی مقر و مقرله معلوم نیست. راجع به جدیت در قصد هم باید محفوف به قرائنی باشد چون معمولا نوشته ای که فاقد مهر و امضا باشد قرینه ای بر این جهت است که اصاله الجدی در بین نیست.

تا این جا استفاده ای بود که از روایات می شد.

دلیل سومی که بر اعتبار مکتوب در اثبات موضوعات خارجی اقامه شده، سیره عقلا است. وقتی می گوئیم سیره عقلا، منظور جمیع العقلا فی جمیع انحاء العالم من جمیع الملل و من جمیع النحل است، در سرتاسر دنیا، عقلای عالم امروزه مکتوب را فی الجمله معتبر می شناسند، حتی اعتبار مکتوب گاهی از اعتبار تلفظ و تنطق بیشتر است. مثلا وقتی سیاسیون عالم می خواهند یک مطلب دارای بار سیاسی را در یک مجمع بین المللی مطرح کنند مثل برخی ما چنین پشت تریبون نمی روند و متکی بر حافظه مطالب را بگویند بلکه از روی نوشته می خوانند چون یک نوشته چیزی است که روی آن فکر شده، مطالعه شده و ابعاد آن سنجیده شده و به صورت مکتوب درآمده است لذا این دقیق تر تلقی می شود. حتی در معاملات یکی از مباحثی که در مسائل حقوق مدنی تطبیقی مطرح است و در دانشگاه ها تدریس می شود بحث ایجاب کتبی در اروپا است. شخصی اطلاعیه می دهد که خانه ام را با این شرایط به هرکس اعلام قبول کند، فروختم که اگر کسی با نامه ای اعلام قبول کرد، معامله برقرار شده است. این ایجاب و قبول که هر دو کتبی است ولو این که اصلا مجلس معامله ای منعقد نشده و طرفین همدیگر را ندیده اند بین این ها بیع محقق می شود در نتیجه امروزه برای کتابت، عقلای عالم، نقش قائل هستند. گاهی به اصالت یک نوشته تردید می شود که آن را نزد کارشناس متخصص می فرستند ولی در ارتباط با اصل مطلب، عقلای عالم (با شرایطی) نه تنها به مکتوب اعتبار می کنند بلکه اعتبار بیشتری نسبت به شفاهیات برای آن قائل هستند. اصلا امروزه کدام قراردادی بین دو نفر یا دو شرکت هست که بدون نوشته باشد؟ حتی در اعصار ماضیه در خود عصر نبی اکرم (ص) در معاهداتی که با مشرکین داشتند، آنها را می نوشتند. بنابراین عقلای عالم مکتوب محفوف به قرینه را به عنوان یک دلیل می پذیرند.

از آن طرف در حجیت سیره عقلا، اموری شرط است از جمله این که مسلک شارع با عقلا واحد باشد و موضوع در مرأی و منظر او واقع شده باشد و ردعی هم از شارع نرسیده باشد که در مورد اعتبار مکتوب این امور وجود دارد و ما می توانیم آن را ملاحظه کنیم.

مرحوم آیت الله سیدمحمدرضا گلپایگانی (ره) در کتاب القضاء (ج 2 ص 13) به این سیره عقلائیه تمسک کرده اند و می فرمایند ردعی از این سیره به ما نرسیده است. لذا به جهت اتحاد مسلکی که بین روش شارع

و روش عقلا وجود دارد و رادعی هم نرسیده، این سیره حجت است و مکتوب می‌تواند با شرائطی به عنوان دلیل اثبات تلقی شود.

اشکالی ممکن است مطرح شود و آن این که آن روایاتی که فرمود: اگر کاغذی پیش شما آوردند و گمان کردند که شما آن را شهادت داده‌ای و شما نیز خط و خاتم خود را دیده‌ای ولی اصل موضوع را به خاطر نمی‌آوری که امام فرمود: «لاتشهد» این مگر رادع نسبت به سیره عقلانی محسوب نمی‌شود؟ پاسخ این اشکال این است که حمل کردیم این روایت در موردی است که آن مکتوب مأمون از تزویر نباشد. کما این که اگر یک مکتوبی نزد عقلای عالم بیاورند که مأمون از تزویر نباشد آن‌ها هم اعتنا نمی‌کنند، بنابراین کلام در مکتوبی است که ایمن از تزویر است و این حدیث به قرینه روایات دیگر باب مربوط به جایی بود که نوشته ایمن از تزویر نباشد.

دلیل چهارمی که اقامه کرده‌اند، سیره متشرعه است که مرحوم صاحب جواهر (40 جواهر ص 304) آن را تحت عنوان سیره متشرعه مطرح کرده است، می‌فرماید: شما کافی است که به اصول اربعه ما نگاه کنید یا کتب رجالی یا کتب حدیثی ما، چقدر از روایت ما می‌گویند: له اصل یا له کتاب و این مشایخ اجازات نیز از کتاب و نوشته اجازه نقل حدیث داده‌اند و اگر بنا بود که نوشته نزد آنها معتبر نباشد چطور می‌شد که بگویند از این کتاب ما نقل حدیث کنید. در نقل احادیث مرسوم بوده که اجازات صادر می‌شده و شیخ اجازه به شاگردان اجازه می‌داد که از کتاب استاد نقل حدیث کنند که این سنت الان هم در حوزه‌های علمیه کم و بیش هست گرچه اخیراً خیلی کم شده است. بنابراین صاحب جواهر می‌فرماید: سیره متشرعه این نبوده که همه روایات معنی باشد بلکه گاهی از کتب حدیثی یک عالم نقل می‌شود.

شاید شما اشکال کنید که سیره متشرعه لو خلی و طبعه حجت نیست ولی خواهیم گفت که این سیره متصله به زمان معصوم است که نه تنها ردع نشده بلکه تأیید هم شده است نامه‌هایی که امیرالمؤمنین (ع) به منصوبان ارسال می‌کنند و امثال آن دلیل بر همین مطلب است، پس این سیره‌ای است که جریان داشته و متصل به زمان معصوم است. النهایه مکتوبی به دست ما رسیده که در آن اسم زید آمده، این برای نسبت دادن مطلبی به زید کافی نیست بلکه به وثوق صدور نیاز دارد و بعد این که اصاله الجدم هم جریان یابد، بله اگر این جهات باشد و قرائنی هم باشد که انسان را به اطمینان برساند، مکتوب می‌تواند مؤثر در مقام باشد.

اما این که چه اموری موجب حصول اطمینان به صحت مکتوب می‌شود؟

مرحوم شیخ انصاری می‌فرماید: حتی گاهی ارائه مکتوب و نسبت دادن آن به حاکم مسلمین، می‌تواند یکی از قرائن حساب شود چون فرضاً یک نفر در مرکز استانی برود و بخواهد به دروغ بگوید مرا رهبر معظم انقلاب به نمایندگی خودشان منصوب کرده‌اند، این ادعا فرد را در مخاطره تعقیب و مجازات قرار می‌دهد لذا

اهمیت آن موجب می‌شود که کسی چنین ادعای دروغی نمی‌کند خصوصا اگر دارنده خود این نامه هم نزد انسان ثقه باشد، این خودش معتبر دانستن آن مکتوبی را که ارائه شده است را تقویت می‌کند.

و الحمد لله رب العالمین

<http://feqhvaqaza.com>